

# نویسند

شماره ۲۰ - سه شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۵۶

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

## درود شورانگیز به مردم قهرمان تبریز!

(اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

حزب توده ایران در برابر شهیدی این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همه یی و همبستگی خود را با بلامنازگان آنرا ابراز میخورد. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که در کاخ پایداری استبداد محمدرضا شاه روی داده و بزرگترین موج پیش مردم در سالهای اخیر است و نشأت میبخشد که در «بازیه نجات» مؤلفان خشم همگیتی می خورد این حرارت یکبار دیگر تشنه داد که سرب آتشین کادر نیست مردم از چانت گشته ای با که برای نزل استلال و مکرکراسی بیای غلغله اند و از رژیم استبدادی بجای بیزارند. بهر استند. مبارزه طبقات و قشر های متحد خلق علیه رژیم ادامه دارد و گمگوش میباید حزب توده ایران با تمام نیروی خود پشتیبان و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیرو های مترقی و متحد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها به پیشرو همه مسامی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سرسختی و بیگیری نشان دهند.

بیروز یک مبارزه تهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی معتمد رضا شاه!

متحد باد نیرو های مختلف رژیم در نبرد علیه ارتجاع میانه!

درود شورانگیز ما به مردم قهرمان تبریز!

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اول اسفند ۱۳۵۶

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهر ها و از جمله تبریز، استهبان، شیراز، اهواز و نوره، قشهرای مختلف مردم بزرگ نشانهای خشم و اعتراض خویش نسبت به رژیم دستانه به ظاهر زودت این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیرو های مسلح به دستور جبهه نجات شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد ملی وی مردم بی سلاح را در معرض گلوله باران وحشیانه و حمله سیهلته تانکها و مسلسل ها قرار دادند. همه کتبری از مردم تبریز در اثر این ایلانز دممنشده شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همبستگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بیست چاقو کشش و لویشش سلواک، در کفالت این بربریت آدمکشنده خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق معن قانون خود در نهایت نظم دست به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهتق و تعقیب قرار دهد. مستکویان پیشرو رژیم در مجاس و سنا و رسانه های گروهی با بکار بردن ترفاتی که براننده خود آنها وارباب تبریز آهلسن، در حق مردم شرافتمند تبریز انتصایات زشت بکار میبرند. ما درود پیشرو خود را به مردم دلاور تبریز، این گهواره ارجمنه آزادی و جدیش مترقی در مین ما، ابراز میایم و به گلوله باران سیهلته مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حلدتی هر چه تملقتر اعتراض میکنیم.

## حقایق تکان دهنده ای از قیام صد هزار نفری تبریز

فرمان دو پهلوی خود آن دست از نظامیان را که علیه رژیم دستشور، صریح او از آتش کشیدن به روی خواهران و برادران غصه خیزها را زدند و باها اعمال مادی و جناح و ناخشنودی آشکار گلوله هایش را به جای سینه های مردم به آسمان شلیک کردند و مجروح کد همه متوان ضرر در انجام وظیفه تحملی وظیفه در برابر آزاده خونین وهرمس فرمانده نامدار را عقبت دهد. شکفتا که کرافه است و پیشگیری چه طول و عمر هشتادگی دارد!

انجام معجزانه هبات نظامی به تبریز به سرپرستی ارتشبه شفت (آموران شاه) و با شرکت کار های پشانی سجد دربار نظیر صیبه هیززند، سهیبه زینبی و سرلشکر هتا! للیبسی درست به خاطر همین نبود و سبب در صفوف ارتش شهبانسی صورت گرفت. این هبات در واقع برای بافتن رشته ها و لایسل طعمان حد هزار نفری تبریز به این شهر نرفت چرا که شاه و گامنه ایسان و دلگان در زخمیان او، خود به در ستی به انگیزه های قیام خونین و خشنان مردم واقف بودند. آنچه این هیسات عالی رتبه نظامی را وحشت زده به شهر طایف کساند، صحنه های فراوان سرکشی سربازان و افسران و درجه داران در هجوم به مردم بی سلاح بود که تنها جریشان آزاد بخواهی است. باره ای از این ما موران که به هر حال در نبرد شتر خلق سهم بودنده، لیا سهای خود را در اندر کتند به صفوف آزادی و خلق طلسی شدند.

بخشنامه های پهلوی و سخنرانی های عسی و بر آب و تابی که به دنبال قیام تبریز توسط فرماندهان واحد ها، بیخون و کادریهای نظامی را خطاب فروری دهد و اهمیت ترسحق و ریکلر رژیم را در پایتانبصان شورانگیز مردم به وضوح نشان می دهد. یکی از این فرماندهان به افراد خود گفته است:

... شهید ای ما را به ما بر گردانید. حالا که زندگی آنها را از ما ربودید و جنازه های گزای آنها را پنهان نگید، لاله های ما را که در گردید، به خلق سوگوار برگردانید... جلاها... دروغ با فان...

در شن این هزای همی خلق آذربایجان است که رژیم خشم شب بازی میبویا برای لوت کردن خنایت فراخ تر نشدنی و تکان دهنده ای که در تبریز مرتکب شده و قاز کرده است. از یک سو به صد اربخشنا به رسو شده تا از طرفی مملنان زحمتکش که خود قنوی دیگر از فرمانبان رژیم استمدادی و خد ملی اند، به درگاه شاه آدمی عوار شتابان به فرستند و تمام سراسر زنده ای سنگر مشروطه ایران راه اصلاح محکوم کنند. و از سوی دیگر کسانان مجلسی و قارفاک های سخره تبلیغات می روزنامه های ساواک زده و روسی وش تیخانه های پراخ چرک و لسن خود را به روی سلحشوران طعمان کرده کتو داند تا واقعت خراست های ... هزار قیام کننده تبریز و انگیزه های سیاسی آن راز سر مردم بهوشانند و با قلب حقایق و تصرف رویدادها، بانگ شهادت و نیر و تبریز را با شعار آزادی و اوج گرفته است. در روز ه هادگو شمارشو مرده های خندش آور غصتیم کند. در کارهای شعبه بازی رسوا و جلا دنگ شاه یزک نوبه اهریالیم فرمان سار در کرده که ما موران عملا کار حوادث خونین تبریز تمهیی شدند. در حالی که تمامی اخبار و اطلاعات دقیق و نامیده شده حاکی از آن است که فرمان قتل مای بر حمانه تبریز مستلما از طرف شاه صادر شده و این نطنش حریزند کن و متذلل. اهدای دو کانه خود را ساس می کند. شاه با این فرمان که ای از یک طرف می خواهد دست خود را از زمین معده ها آزاد بخواهد تبریز بشود و ساواک ساسه در برابر انتظار مردم مسئولیت این خنایت عمده با کفر چسبه مهره ناچیز خود، به گردن دیگران بیندازد و از طرف دیگر بسا

خبرهایی که از تبریز و شهر تمام و خون و رژیم می رسد، حقایق تکان دهنده هو لنگی را از تل عام بی شرمانه و خنن آسبند اولین نامدار و طاوت پهلوانی و حماسه آمیز خلق رشده و به ستاره آند آبر بابیان بر ملا می کند. در روز پس از ناهمسه تاریخی تبریز صایع فوق و شاهدان صحنه های این طغیان به خون نیبده، تبعه داد شهید لرا تا ... نفر نکر می کند. در حالی که آمار مجروحان به حدود هزار نفر می رسد، خبرنگار "نید" تصریح می کند که نزد یابده دو هزار نفر تا کین دستگیر شده اند و حجت و حوی صلاحت و خانه های مردم و نشنیدن بی راه دار. شهر در زیر کاپوس حکومت نظامی است و کوس ارتش فاشسم آن را اشغال کرده است. خشم مرگ و ی خلق هزار از پایختر که خورده، از حراحت عمیق که بر قلب شهید قهرمان نشسته هنوز خون می جگد، اما خنن های پالی که در روز های ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه روی اسفالت خنیا بانها و سنگر زگر چه ها ریخت و کوی هنوز زیانه می کند و برای ما بران سرود آزاد و خوانند برود و شرح به تبریز کنترل می شود. انبوسپای ساسی و بیرو ظفار زیر نگاه پهلوی بر از شک و بدگمانی سگی بازی رژیم است و خروج اهالی آذربایجان از مرز بازرگان تقریبا قطع شده، تبریز که نسبتا آرنجیهایش به خون مبارزان و آزاد بخواهان گشته است، به شهر مشروطه، شهر آزادی، و شهر ستارخان و سیدر هموازی، چشم غری و رود چنگ و دندان نشان می دهد. او می خواهد ترس و لرز خود را در پرده سبمت حیوانی بهوشانند و بی سرنیزد و بد باروت و سامه تانکها و تیسری را که دست شطاق های سوزان ایران است، به کوی بی نفس و صامت بدل کند. اما در نگاه معده ها هزار تبریزی - جوان نگاه مملوینا خلق آذربایجان - فرشی خاموش می جو شد!

